

دکتر دیوید ای. دسیلوا، عبرانیان، جلسه ۱۴، نکات کلیدی برای موعظه در عبرانیان امروز

دیوید دسیلوا و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

در این جلسه پایانی، به جنبه‌های مختلفی از اعلامیه نویسنده کتاب عبری به مسیحیان نسل خودمان و آنچه این خطبه به مسیحیان هر نسلی اعلام کرده است، خواهیم پرداخت. اگرچه می‌توانید ایده‌های خطبه‌ای خاص‌تری برای موعظه به کل عبرانیان در تفسیر من، «پشتکار و سپاسگزاری»، و کتاب جدیدترم عبرانیان، فیض و سپاسگزاری»، بیابید، اما من در اینجا می‌خواهم فقط بر پنج کلمه کلیدی تمرکز کنم که «نویسنده عبرانیان همچنان با ما و جماعت‌های ما در حالی که ما وظیفه خود را در دعوت از برادران و خواهرانمان امروز انجام می‌دهیم، صحبت می‌کند. اگر صدای او را می‌شنوید، قلب‌هایتان را سخت نکنید.

اولین کلمه این است که اولویت اصلی زندگی را از دست ندهید. مسیحیانی که نویسنده به آنها اشاره می‌کند پیام‌های زیادی از همسایگان خود می‌شنیدند که آنها را از پیروی از عیسی منصرف می‌کرد. در بحبوحه این هیاهو، نویسنده به شنوندگان خود یادآوری می‌کند که خدا سخن گفته است.

در عیسی، خدا کامل‌ترین مکاشفه را در مورد اینکه خدا کیست، ارائه داد. در عیسی، تمام مکاشفه‌های پیشین خدا با وضوح و کمالی درخشان گرد هم می‌آیند. در عیسی، خدا وعده رهایی از تمام قدرت‌های مرگ و ابدیتی باشکوه را می‌دهد.

در حضور خدا، این پیامی است که باید بر هر پیام دیگری در زندگی ما مقدم باشد. واعظ اولویت اول ما را واکنش به کلامی قرار می‌دهد که خدا گفته و هنوز هم می‌گوید. این مضمونی است که در سراسر موعظه او مانند یک ترجیع‌بند جاری است.

اینکه فرد چگونه به پیامی که پسر می‌گوید واکنش نشان می‌دهد، اینکه آیا هنگام شنیدن صدای خدا قلب خود را سخت می‌کند یا نه، اینکه آیا کلام نیکوی خدا واکنش مناسبی را ایجاد کرده است یا نه. اینها برای این نویسنده مسائل مربوط به زندگی و مرگ، داوری ابدی و رستگاری ابدی هستند. واعظ لازم دانست که خطوط اساسی جهان‌بینی مسیحی را تقویت کند، که این امر را در اولویت قرار می‌دهد.

و بدون شک ما نیز انجام همین کار را، اگر نه با همان اصطلاحات، در نوعی پیکربندی مجدد که در فرهنگ جماعت ما منطقی باشد، ضروری خواهیم یافت. هر آنچه که دیده می‌شود، یک واقعیت موقت است آسمان‌ها و زمین مادی آینده‌ای ندارند، اما در آن روز بزرگی که خدا تعیین کرده است، متزلزل و از بین خواهند رفت.

فراتر از زمین و آسمان مرئی، یک قلمرو برتر و ابدی، خود بهشت، قرار دارد، همانطور که نویسنده عبرانیان می‌گوید. این قلمرویی است که در آن لشکر فرشتگان و مسیح جلال‌یافته از حضور کامل خدا بهره‌مند می‌شوند. از دیدگاه ما، این قلمرو، قلمرو آینده است، نه به این معنا که از قبل وجود ندارد، بلکه به این معنا که هنوز برای انسان‌ها آشکار نشده و توسط ما تجربه نشده است.

از آنجا که تنها قلمرو خدا ابدی است، هر آنچه به آن تعلق دارد بهتر است. در آنجا، ما دارایی‌های بهتر و پایدارتری خواهیم یافت.

ما وطن بهتری خواهیم یافت، زیرا وطنی آسمانی و پادشاهی تزلزل‌ناپذیر که شهر جاودان ما در آن قرار دارد. این مکان آرامش خداست که خداوند ما را به آن دعوت کرده و خورشید ما را به خاطر آن تظهير کرده است. نویسنده عبرانیان ما را ترغیب می‌کند که در اینجا زندگی کنیم تا در آنجا مورد استقبال قرار گیریم.

اگر این وعده را جدی بگیریم، باید با جان دان، شاعر و واعظ قرن هفدهم، موافق باشیم که گفت هر دقیقه از این زندگی به میلیون‌ها سال آینده بستگی دارد. و بنابراین مطمئن خواهیم بود که در طول مسیر متوقف نخواهیم شد و به خاطر لذت‌ها و علایق کمتر، از صداقت و تعهدات خود به خدا دست نخواهیم کشید. خطر برای بسیاری از ما این نیست که از پذیرش مسیح سر باز بزنیم.

بلکه، همانطور که برای برخی از اولین خوانندگان عبرانیان، خطر این است که ما متوجه شویم تمرکز نگرانی‌های خودمان و بنابراین، اولویت‌هایمان به شرایطمان در این قلمرو موقت برمی‌گردد. راه‌های زیادی وجود دارد که شاگردان می‌توانند از اولویت دادن به پاسخ خود به کلام خدا در زندگی‌شان منحرف شوند وضعیت مخاطبان به طور مستقیم با وضعیت بسیاری از مسیحیان در سراسر جهان که در واقع مبارزه‌شان تا سر حد خونریزی بوده و تهدید به خونریزی می‌کند، مرتبط است.

بسیاری از جوامع از طریق توهین، سوءاستفاده، محرومیت اقتصادی، ارباب، شکنجه و حتی اعدام، تلاش می‌کنند تا شاگردان را وادار کنند که واکنش خود به خدا را با تمایل به حفظ آزادی، خانواده و حتی خود زندگی جایگزین کنند. اگرچه ممکن است بسیاری از ما در دنیای غرب تحت آزار و اذیت قرار نگیریم، اما ما نیز مرتباً وسوسه می‌شویم که حق نخست‌زادگی خود را مانند عیسو برای یک وعده غذایی بفروشیم، زیرا اولین و بهترین تلاش‌های خود را برای اندوختن گنج در زمین انجام می‌دهیم. چقدر زمان، انرژی و منابع از رشد در رابطه‌مان با خدا، سرمایه‌گذاری در خدمت معنادار به نام خدا و تربیت مؤمنان جوان‌تر، از جمله فرزندان طبیعی خودمان، به خاطر دستیابی به محصولات بهتر و با جایگاه بالا برای افزایش کیفیت زندگی که توسط رسانه‌ها تبلیغ و توسط همسایگان و دوستان دنیوی تقویت می‌شود، یا به خاطر ارتقاء در محل کار هدر می‌رود؟ چند بار خود را درگیر مشغله‌ها و نگرانی‌هایی می‌بینیم که هیچ کمکی به شبیه مسیح شدن ما نمی‌کنند و هیچ فرصتی برای کمک معنادار به زندگی دیگران فراهم نمی‌کنند؟ واعظ عبرانیان در هر لحظه به ما یادآوری می‌کند که همه این کالاهای متعلق به قلمرو موقت هستند، به جهانی که پایدار نیست، بلکه مقدر شده است که به همراه همه کسانی که زندگی خود را بر روی آن بنا کرده‌اند، متزلزل شود.

به ما علائم هشدار دهنده‌ای داده شده است. ما باید در نوسانات بازارهای جهانی و ترتیبات سیاسی سهولت تبدیل صلح ناپایدار به درگیری تمام عیار، و همچنین تسلیم تجربه انسانی در برابر جرم و بلایای طبیعی را درک کنیم. همه اینها نشانه‌هایی از بی‌ثباتی اساسی و غیرقابل اعتماد بودن همه چیزهای دنیوی هستند.

واعظ عبرانیان ما را دعوت می‌کند تا عمیقاً به این واقعیت بنگریم و درک کنیم که دوستی عیسی و دنبال کردن اعمال است که در نظر خدا عزت می‌آورد، که شاید از قضا، به تنهایی حتی در این دنیای مرئی و بی‌ثبات، امنیت را فراهم می‌کند. بار دیگر، به اهمیت پاسخ وفادارانه به کلام پسر بازمی‌گردیم. همانطور که خود عیسی در پایان خطبه بالای کوه در متی بیان کرد، همه کسانی که این سخنان مرا می‌شنوند و به آنها عمل می‌کنند، به فردی خردمند تشبیه می‌شوند که خانه خود را بر روی صخره بنا کرده است.

این همان معنای زندگی با ایمان در عبرانیان است. ایمان در اینجا صرفاً به باورها مربوط نمی‌شود، بلکه به تصمیم‌گیری‌های مهم در زندگی روزمره ما بر اساس دیدگاهی وسیع‌تر اشاره دارد که به واقعیت‌های نامرئی و واقعیت‌های آینده به عنوان قطب‌نما برای همه تفکرات ما نگاه می‌کند. ایمان طوری عمل می‌کند که گویی همه وعده‌های خدا درست و قابل اعتماد هستند.

ایمان همواره زندگی را با هدف خشنودی خدا و تلاش برای رسیدن به میراثی که خدا وعده داده است، تنظیم می‌کند، نه اینکه به دستمزدهای سطحی که دنیا به پیروانش ارائه می‌دهد، بسنده کند. ایمان به شرایط این دنیا با توجه به مداخله آینده خدا و پذیرش وعده‌های خدا، و همچنین واقعیت‌های نامرئی فراتر از این دنیا واکنش نشان می‌دهد. قهرمانان عبرانیان ۱۱ اولویت‌های خود را درست تعیین کرده بودند و سرمشق‌های آنها همچنان مسیر پیش روی ما و جماعت‌های ما را روشن می‌کند.

دومین کلامی که واعظ عبرانیان همچنان به ما و جماعت‌های ما می‌گفت این بود که از آنچه در مسیح دارید غافل نشوید. ما کاهن اعظم بزرگی داریم که از آسمان‌ها عبور کرده است. ما لنگری برای روح داریم

ما یک محراب داریم. واعظ صرفاً یک هویج را جلوی جماعت در تنگنا قرار نمی‌دهد تا آنها را به سوی قلمرو ابدی سوق دهد. او همچنین به فراوانی فراوانی که آنها در سفرشان با خود حمل می‌کنند اشاره می‌کند.

آنها باید همیشه تشنه‌ی ورود به حضور کامل خدا باشند، اما مطمئناً در طول مسیر دچار سوءتغذیه یا ضعف نمی‌شوند. تمرکز بر آنچه مؤمنان از قبل در مسیح دارند و شاید آنچه مؤمنان باید اجازه دهند تا تأثیرات کامل‌تری در زندگی‌شان داشته باشد، یک استراتژی مهم در این خطبه برای تسهیل وفاداری و یادآوری این نکته به شاگردان در هر عصری است که چرا پابندی به یک پاسخ وفادارانه و مطیعانه به خدا همچنان ارزشمندترین عمل است. ما برای روح خود لنگری داریم.

عبرانیان ۶: ۱۹ و ۲۰. یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان، امنیت و ثبات است. تنها پس از اینکه بدانیم می‌توانیم زندگی خود را به طور ایمن بسازیم، واقعاً به ساختن آن زندگی‌ها می‌پردازیم.

واعظ اعلام می‌کند که ما در عیسی امنیت مطلق و ثبات مطلق داریم، زیرا همانطور که در ۱۳: ۸ بیان می‌کند، عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابد همان است. در آغاز موعظه، واعظ اعلام کرد که زمین و آسمان از بین خواهند رفت، اما تو باقی خواهی ماند. آنها تغییر خواهند کرد، اما تو همان هستی.

بنابراین نویسنده به طور مؤثر خطبه خود را با تضاد بین پایه‌های قابل اعتماد برای اعتماد که می‌توان زندگی خود را بر آنها بنا کرد و پایه‌های غیرقابل اعتماد که منجر به ضرر کسانی می‌شود که بر آنها بنا می‌کنند، در پرانتز قرار داده است. یکسانی در هر دوی این متون، ۱: ۱۲ و ۱۳: ۸، به معنای ثبات است. این در مقابل تغییرپذیری و عدم اطمینان قرار دارد.

دیو کریسوستوم، خطیب رومی اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم، متن تطبیقی بسیار مفیدی را در چارچوب خطابه‌ای از خود درباره بی‌اعتمادی ارائه می‌دهد و از این شکایت می‌کند که در مورد انسان‌ها هیچ ثبات یا صداقتی وجود ندارد. دیو می‌نویسد آنچه کسی درباره بخت گفته است، می‌تواند درباره انسان‌ها نیز گفته شود، یعنی اینکه هیچ‌کس درباره کسی نمی‌داند که آیا او تا فردا به همین شکل باقی خواهد ماند یا خیر. مردم وعده‌هایی را که به یکدیگر می‌دهند زیر پا می‌گذارند و به یکدیگر توصیه‌های متفاوتی می‌دهند و با اعتقاد به اینکه یک مسیر مصلحت است، در نهایت مسیر دیگری را دنبال می‌کنند.

واعظ عبرانیان می‌خواهد خوانندگانش بدانند که می‌توانند به عیسی اعتماد کنند. لطف عیسی مانند لطف افراد غیرقابل اعتماد، امروز نیست و فردا از بین نمی‌رود. بلکه لطف او همیشه نسبت به مؤمنانش وجود دارد و این منبع ثبات قلب مؤمنان می‌شود.

کسی که وعده داده است، واقعاً امین یا قابل اعتماد است. در واقع، عیسی مسیح، قابل اعتمادتر و لنگر محکم‌تری برای امید آنها نسبت به هر چیز دیگری در تمام خلقت خواهد بود. ما مرتباً شواهدی را می‌بینیم که سوءظن نویسنده را در مورد غیرقابل اعتماد بودن چیزهای این دنیا تأیید می‌کند.

در این قرن، ما شاهد نوسانات شدید اقتصادی بوده‌ایم، گاهی اوقات سرمایه‌گذاران را به وجد آورده و گاهی اوقات آنها را وحشت‌زده کرده است. تروریست‌ها به ما آموخته‌اند که چقدر از بسیاری جهات آسیب‌پذیر هستیم. خود زندگی شکننده است.

یک طوفان می‌تواند زندگی صدها خانواده را زیر و رو کند. امنیت، پایه‌ای قابل اعتماد، لنگری برای روح. خوب این است که عیسی مسیح، هم اکنون و هم برای همیشه، همه این چیزها را برای ما خواهد داشت.

جدی گرفتن آموزه‌های عیسی و ساختن زندگی‌مان بر اساس آنها، پایه‌ای تزلزل‌ناپذیر برای آن زندگی‌ها به ما می‌دهد. در کتاب دعای عمومی که توسط کلیسای اسقفی استفاده می‌شود، دعایی برای پنجمین یکشنبه‌ی ایام روزه وجود دارد که جماعتی در آن این درخواست را می‌خوانند: به قوم خود عطا فرما تا آنچه را که فرمان می‌دهی دوست داشته باشند و آنچه را که وعده می‌دهی آرزو کنند، تا در میان تغییرات سریع و متنوع جهان، قلب‌های ما مطمئناً در جایی ثابت بمانند که شادی‌های واقعی یافت می‌شوند.

عیسی یک پایه و اساس کاملاً قابل اعتماد است و او از طرف ما وارد قلمرو خدا شده است تا لنگر ما در آنجا باشد و قلب‌های ما را در جایی که شادی‌های واقعی یافت می‌شوند، تثبیت کند. ما همچنین به تمام کمکی که نیاز داریم دسترسی داریم. واعظ عبرانیان، جماعت خود را تشویق می‌کند که خدا قادر است در طول تجربیات بیابان خود، آنها را حفظ کند و آنها را برای پیروزی در مواجهه با خصومت جهان مجهز کند.

آنها در این مبارزه تنها گذاشته نشده‌اند. آنها چیزی بیش از یک لجبازی و تعهد شخصی برای عبور از این شرایط دارند. آنها به تمام منابع و کمکی که خداوند متعال می‌تواند فراهم کند و در اختیارشان قرار دهد دسترسی دارند.

منابع درونی قدرت معنوی، اطمینان و آرامش. منابع بیرونی کمک‌های مادی، مراقبت عاشقانه و تشویقی که توسط دیگر مؤمنان در پاسخ به بسیج مواهب الهی ارائه می‌شود. هیچ چالشی برای ایمان آنقدر بزرگ نیست که خداوند نتواند وسیله‌ای برای تحمل و پایداری کسانی که برای کمک به سوی خدا می‌آیند، فراهم کند، نه اینکه در ناامیدی عقب‌نشینی کنند.

دعا، چه فردی و چه جمعی، یک انضباط معنوی است که قدرت و اهمیت آن را نمی‌توان بیش از حد ارزیابی کرد. حق حضور در پیشگاه خدا و درخواست کمک به موقع، به عنوان یکی از ارزشمندترین مزایایی که عیسی برای ما به ارمغان آورده است، ارائه می‌شود. عیسی همچنین منبع اطمینان ماست که خدا کمکی را که نیاز داریم به ما خواهد داد.

انتصاب عیسی به عنوان کاهن اعظم، که از مضامین اصلی کتاب عبرانیان است، بیانگر تعهد مداوم عیسی به ما و ارتباط او با ماست، و همانطور که واعظ در فصل ۷، آیه ۲۵ بیان می‌کند، او همیشه برای شفاعت از جانب ما زنده است. عیسی زندگی می‌کند تا دسترسی ما به خدا و کمک خدا را باز و امن نگه دارد. وقتی با انتخاب‌های دشواری روبرو می‌شویم که تعهد ما را به خدا آزمایش می‌کنند یا وقتی که ضعف خودمان ما را به خیانت می‌اندازد، این اطمینان را داریم که عیسی با همدردی در کنار ما می‌ایستد، نه با نگاهی سرزنش‌آمیز.

ما این اطمینان را داریم که عیسی، که خود نیز با همین چالش‌ها روبرو بوده و راه پیروزی را یافته است، آماده است تا به ما کمک کند تا در مواجهه با آزمایش‌ها و وسوسه‌هایی که ما را به چالش می‌کشند، وفادار بمانیم. بنابراین، همانطور که نویسنده تأکید می‌کند، بیایید هر زمان که این چالش‌ها پیش می‌آید، به سوی تخت لطف الهی بشتابیم و با اطمینان از کسی که به نمایندگی از ما بر همین وسوسه‌ها و چالش‌ها غلبه کرده است، کمک بخواهیم. ما همچنین از شأن و افتخار یک دعوت مقدس کاهنی برخورداریم.

واعظ به ما کمک می‌کند تا به یاد آوریم که چه امتیاز شگفت‌انگیزی است که می‌توانیم در هر زمان، در هر مکان و در هر شرایطی، با عبادت و دعا به حضور خدا بیاییم، دقیقاً به این دلیل که عیسی در دست راست خدا زندگی می‌کرده و همچنان زندگی می‌کند و از جانب ما شفاعت می‌کند. عبادت مسیحی یک کار طاقت‌فرسا نیست، بلکه بخشی از ادای احترام و عزتی است که توسط عیسی به ما اعطا شده است، کسی که امتیازاتی را که رسماً فقط برای کاهنان لای معبد و خیمه محفوظ بود، برای ما گشوده است. عبادت و دعا همچنین در واقع، پیش‌درآمدی از ورود نهایی ما به قلمرو تزلزل‌ناپذیر و حضور کامل و بدون واسطه خدا می‌شود.

این امر به زمان‌های دعا و عبادت ما تمرکز می‌بخشد، نه صرفاً به عنوان مکانی که می‌توانیم در آن برای زندگی روزمره یا راه‌حلهایی برای نیازهای دنیوی نیرو پیدا کنیم، بلکه به عنوان دریچه‌ای که از طریق آن می‌توانیم پایان سفر خود را ببینیم و حتی تجربه کنیم. تقدیس تمام مردم توسط عیسی با خون خود، همچنین به ترک دین، دعا، شفاعت، عبادت، شهادت، دیدار و کمک به متخصصان خدمت پایان می‌دهد. بسیاری از جماعت‌ها ممکن است در تأیید مجدد خطوطی که کاهنان را از افراد عادی جدا می‌کند، به دنبال آرامش باشند و خود را از دعوتی که عیسی بر عهده آنها گذاشته است، رها کنند.

اما اگر محدودیت دسترسی به خدا و اماکن مقدس تحت حقوق عهد عتیق، وضعیتی ناقص بود که با چنین هزینه‌ای برای عیسی برطرف شد، باید مراقب باشیم که ما، به عنوان قوم عهد جدید، زندگی مذهبی خود را بر اساس الگوی محراب زمینی، معبد و خیمه عهد عتیق، شکل ندهیم. یکی از جنبه‌های مهم انجیل در این متن این است که به هر مؤمنی، نه تنها آن مسیحیانی که برای خدمت تمام وقت جدا شده‌اند، افتخار بی‌نظیر حضور در پیشگاه خود خدا در هر زمانی و افتخار انجام خدمتی که خدا برای او یا برای او تعیین کرده است، داده شده است. تمام زندگی هر مسیحی می‌تواند از طریق شهادت، عبادت و اعمال محبت و مشارکت، مقدس برای خدمت به خدا قرار گیرد.

اینها قربانی‌های پسندیده‌ای هستند که هر یک از ما فراخوانده شده‌ایم تا در پایان این موعظه در عبرانیان آیات ۱۵ و ۱۶، به خدا تقدیم کنیم. سومین کلمه‌ای که عبرانیان دائماً اعلام می‌کند این است: از آنچه، ۱۳ حق خداست غافل نشوید. ما عموماً آدم‌های خودخواهی هستیم.

ما زیاد به آنچه حق ماست، به آنچه می‌خواهیم فکر می‌کنیم. این تمایل غریزی به خود، ریشه تمایل ما به گناه است، ریشه دوگانگی فکری که باعث می‌شود در شاگردی خود لنگان لنگان پیش برویم، به جای اینکه با پشتکار بدویم و هر باری را که می‌تواند ما را کند کند، کنار بگذاریم. و بنابراین، واعظ عبرانیان درمان دو بخشی خود را ارائه می‌دهد.

در مورد تمام چیزهایی که می‌خواهیم، و دنبال کردن آنها ما را از پیشرفت در مسابقه‌مان به سوی مسیح‌گونه بودن و بودن در خانه با خدا دور می‌کند، واعظ تمام چیزهایی را که از قبل داریم به ما یادآوری می‌کند. ما قبلاً در بخش قبلی به این موضوع پرداخته‌ایم. در مورد نگرانی ما در مورد به دست آوردن حق خود، در مورد ارضای نفس و خودشکوفایی، یا حتی در مورد راضی کردن اطرافیانمان که به دنبال تأیید و پذیرش آنها هستیم، واعظ همچنین آنچه را که حق خداست به ما یادآوری می‌کند و به ما می‌گوید که آن را در درجه اول در ذهن خود و پیش روی چشمان خود نگه داریم.

معادل تمام «از وقتی که داشتیم» که تازه بررسی‌اش را تمام کردیم، در عبرانیان، «بیایید داشته باشیم. بیایید سپاسگزار باشیم» است. عبرانیان ۱۲ آیه ۲۸.

همچنان که ما آگاه‌تر می‌شویم و به دیگر مؤمنان خود کمک می‌کنیم تا از سخاوت شگفت‌انگیزی که خداوند در مسیح به ما ارزانی داشته است، آگاه‌تر شوند، آگاهی ما از اهمیت ارزش‌گذاری صحیح و پاسخ به آن سخاوت به کلامی که در خورشید گفته شده است نیز افزایش می‌یابد. الهیات و اخلاق، باور و پاسخ، عقیده و زندگی مسیحی در سخنان نویسنده در مورد رابطه فیض که توسط مسیح آغاز شد و در مورد وظیفه شاگرد برای ارزش قائل شدن به این رابطه به اندازه‌ای که هر کاری لازم باشد انجام دهد تا هر بهایی را که برای وفادار ماندن و اطاعت از خدا در مسیح لازم است، پردازد، به هم پیوسته و به طور متقابل انرژی می‌گیرند. ارتباط بین فیض و پاسخ، مفصل و لولای بین الهیات و اخلاق است.

نویسنده، تجربه سخاوت و مهربانی خداوند را به عنوان زمینه‌ای برای انتخاب‌های اخلاقی مطرح می‌کند. در حالی که نویسنده ما چالش خاصی را که پیش روی جماعت قرار دارد، در ذهن دارد، جایگاه شرعی خطبه او این سؤال را در همه موقعیت‌ها پیش روی شاگردان قرار می‌دهد. در این موقعیت، چه اقدامی باید انجام شود که به طور کامل قدردانی من را از لطف خداوند که به من نشان داده شده است، نشان دهد و بازگشتی را به سوی خدا ارائه دهد که برای او بسیار خوشایند باشد و بیشترین هماهنگی را با اهداف ذاتی رستگاری من داشته باشد؟ توجه بی‌میلانه به این رابطه، در حالی که ما زندگی خود را وقف لذت‌ها و خوبی‌های موقت می‌کنیم، به همان اندازه که ارتداد آشکار توهین به ولی نعمت بزرگ ماست، توهین آمیز و بنابراین، به همان اندازه خطرناک است.

این ارتباط بین فیض و پاسخ، همچنین حلقه اتصال و محور عشق به خدا و عشق به همسایه است، زیرا نویسنده عبرانیان این جریان قدردانی را به سمت اعمال محبت آمیز و خدمت به هم‌نوعان خود هدایت می‌کند. خداوند به هیچ چیز نیاز ندارد، و بنابراین مزایای خداوند برای ما، ما را فرا می‌خواند تا ثمرات قدردانی را برای کسانی که خداوند تعیین کرده است، به ارمغان بیاوریم، همانطور که در تشبیه نویسنده در فصل ۶ آیات ۷ و ۸ آمده است، همانطور که باران از بالا نازل می‌شود تا زمین برای کشاورزان و سایر افراد وابسته به زمین، نه برای باران‌دهنده، گیاهانی به بار آورد. در واقع، اگر می‌خواهیم از جایگاه خود نزد خدا اطمینان حاصل کنیم، واعظ عبرانیان ما را به سمت سرمایه‌گذاری روی یکدیگر هدایت می‌کند.

در عبرانیان ۶ آیه ۱۰، کار و عشقی که به نام خدا در خدمت و ادامه خدمت به مقدسین نشان داده‌اید چیزی است که خدای عادل فراموش نخواهد کرد و حداقل به نویسنده اطمینان می‌دهد که چیزهای بهتری که نجات را در خود جای داده‌اند، نصیب جماعت خود او خواهد شد. صحبت در مورد فیض با این اصطلاحات قرن اول، با بار الهیاتی ما، به ویژه آن بار سنگین نجات از طریق ایمان در مقابل نجات از طریق اعمال یا نجات از طریق فیض در مقابل اعمال، در هم می‌ریزد. فیض رایگان به معنای آزادی ما برای عدم پاسخگویی به هدایایی که از خدا دریافت می‌کنیم با قلب، گفتار و اعمال سپاسگزارانه متناسب با سخاوت خدا و ارزش هدایای خدا نیست.

وقتی فیض را در عبرانیان موعظه می‌کنیم، خود و جماعت‌مان را مجبور می‌کنیم تا وحدت، زیبایی و سیالیت رقصی را که خدا با ما آغاز کرده است و از طریق آن می‌خواهد هر فرد، هر جامعه ایمانی و در نهایت کل کیهان را متحول کند، درک کنند. تأکید در سراسر عهد جدید بر فیض و پاسخ، توجیه و تقدیس، ایمان و شاگردی را به طور یکپارچه به هم پیوند می‌دهد. فرمول‌بندی‌های پولس رسول در مورد این موضوع کاملاً صریح و دقیق است.

او در دوم قرن‌تیا ۱۵:۵ می‌نویسد، مسیح برای همه مُرد تا آنان که به زندگی ادامه می‌دهند، دیگر نه برای خود، بلکه برای او که به جای آنها مُرد و برخاست، زندگی کنند. اشتیاق پولس آشکارا برانگیختن واکنشی از عشق به عشق، زندگی به زندگی به لطف خدا بود که در عیسی و مرگ فداکارانه او آشکار شد. زندگی‌ای که در آن از تعالیم عیسی و نصایح رسول اطاعت شود و به شباهت مسیح درآید، به طور خلاصه، زندگی‌ای که

ثمره نیکو به بار آورد، برای جلب لطف خدا ارائه نمی‌شود، بلکه باید به عنوان پاسخی سپاسگزارانه به لطف خدا ارائه شود.

تمرکز بر فیض و پاسخ، در نهایت به درک کامل‌تری از معنای نجات و عادل شمرده شدن به وسیله فیض منجر می‌شود. همانطور که اجازه می‌دهیم لطف و عطایای خداوند تأثیر کامل خود را در ما بگذارد و واکنشی سپاسگزارانه و خدامحور را برانگیزد، زندگی ما از درون به بیرون دگرگون می‌شود، زیرا ما بیشتر و بیشتر به جای جستجوی رضایت نفس، با سپاسگزاری از خداوند هدایت می‌شویم. هنگامی که فیض خدا به طور کامل بر ما تأثیر گذاشت، در برابر خدا و بره خواهیم ایستاد و وجود مسیح را از درون منعکس خواهیم کرد، پر از میوه‌ای که می‌توانیم به ارباب خود تقدیم کنیم و در مورد آن، ستایش مهربانانه او را دریافت کنیم.

دل‌های سرکش ما با هدایت مکرر خدا و با توجه به فواید خدا و وفاداری و صداقتی که این هدایا در ما برمی‌انگیزند، استوار شده‌اند. این همان چیزی است که به معنای ایمن یا محکم شدن قلب به لطف الهی است، همانطور که نویسندگان عبرانیان در فصل ۱۳، آیه ۹ اعلام می‌کند. نویسندگان عبرانیان، مانند دیتیش بونهوفر، متکلم آلمانی، به موعظه فیض ارزان یا شاید بهتر باشد بگوییم، سپاسگزاری ارزان حساسیت دارد. موعظه به این روش هیچ خدمت خوبی به جماعت‌های ما نمی‌کند.

موعظه عبرانیان ما را به چالش می‌کشد تا برای جماعت خود فرصت‌هایی فراهم کنیم تا با خدمت و اطاعت خود، با احترام به خدا پاسخ دهند، با نشان دادن پاسخی سپاسگزارانه، نگرش والای سپاسگزاری را به درستی بشناسند و شرافت، عزت نفس و حس صداقت مسیحی را که می‌تواند از پاسخ به سخاوت خدا با قلبی پر از عشق ناشی شود، کشف کنند. اجازه دادن به رشد این سپاسگزاری نسبت به خدا در درون ما، اجازه دادن به این سپاسگزاری برای شکل دادن به زندگی ما، نویدبخش یکپارچگی در تمام کارهایی است که انجام می‌دهیم، و تمام تجربیاتمان. تمام بخش‌های زندگی ما در بازتابی از آن رقص دایره‌ای زیبا از نعمت‌ها گرد هم می‌آیند همانطور که ما در آگاهی از دریافت از خدا و پاسخ به شکرگزاری به خدا از طریق احترام و خدمت و به اشتراک گذاشتن آنچه خدا به ما داده است با یکدیگر، گام برمی‌داریم.

و چهارمین کلمه‌ای که نویسندگان عبرانیان نمی‌خواهد ما از آن غافل شویم، بلکه می‌خواهد کاملاً به آن توجه کنیم، این است که از یکدیگر غافل نشوید. این کلمه ما را به منبع حیاتی دیگری می‌رساند که خداوند به ما داده است تا بتوانیم با پشتکار در مسابقه بدویم و به هدف خود برسیم، و آن منبع یکدیگر هستند نویسندگان عبرانیان می‌دانست که چقدر برای ما مهم است که خود را وقف یکدیگر کنیم و کلیسا را به جامعه‌ای از حمایت، تشویق و پاسخگویی تبدیل کنیم.

تنها از این طریق است که خودمان نیز حمایت لازم را برای بالغ شدن به عنوان شاگرد خواهیم داشت. همه ما و همه افراد حاضر در جماعت‌هایمان شریک مسیح و شریک در یک دعوت آسمانی هستیم، که به عنوان شریک از یکدیگر مراقبت می‌کنیم و با هم به پیش می‌رویم. ما نه تنها باید مراقب هجوم بی‌اعتمادی به قلب‌های خود باشیم، بلکه باید مراقب باشیم که بی‌اعتمادی به قلب‌های دیگر شاگردانمان نیز نفوذ نکند (فصل سوم، آیه ۱۲).

به همه ما گفته شده است که بترسیم مبدا کسی از ما فکر کند که درست است از هدف وعده داده شده خدا در فصل چهارم، آیه اول، کوتاه بیاید. همه ما باید تلاش کنیم تا اطمینان حاصل کنیم که هر یک از خواهران و برادران ما قلب خود را بر پاداشی که به اطاعت وفادار داده می‌شود، ثابت نگه دارند تا هیچ کس از لطف خدا در عبرانیان ۱۵: ۱۲ کوتاه نیاید. در برابر سیل پیام‌های دیگر از همسایگانمان، ما باید تعهد یکدیگر را به راه مسیح تقویت کنیم و با اعمال محبت و مشارکت از یکدیگر حمایت کنیم.

ما هم مزایا و هم مسئولیت‌های خانواده را به ارث می‌بریم، به لطف تشویق، حمایت و کمک یکدیگر در مسیر کمال، حتی در مواقع نیاز و شکست خودمان نیز این تشویق، حمایت و کمک را از دیگر شاگردان خود دریافت می‌کنیم. واعظ، دروغ فرهنگی مدرن مبنی بر اینکه دین یک امر خصوصی است را به چالش می‌کشد. مبارزات معنوی ما به خواهران و برادران ما در مسیح مربوط می‌شود و ما به نوبه خود، به آنها مدیونیم که هدایای تشویق، هشدار و حمایت خود را ارائه دهیم.

اگر قرار است چشم و ذهنمان به جایی که شادی‌های واقعی یافت می‌شوند، متمرکز بماند، به کمک یکدیگر نیاز داریم. جلسات کلاس جان و سلی آزمایشی تحسین‌برانگیز در این زمینه بود که گروه‌های کوچکی از مؤمنان متعهد را گرد هم آورد که به یکدیگر کمک کردند تا به تعهداتی که برای خود تعیین کرده بودند وفادار بمانند و یکدیگر را تشویق کنند تا آنچه را که خدا فرمان داده دوست داشته باشند و آنچه را که خدا وعده داده است، فراتر از همه حواس‌پرتهای دنیوی و اغلب در بحبوحه انتقاد از بیگانگان، آرزو کنند. ظهور گروه‌های کوچک خدمت‌رسانی در بسیاری از کلیساها یا گروه‌های پاسخگویی که در ارتباط با خدمات پاراکلیسای تشکیل شده‌اند، از بسیاری جهات، دقیقاً همان نوع حمایت، تمرکز و کمکی را که نویسنده عبرانیان به عنوان یک ضرورت برای تکمیل نسل ما پیش روی ما قرار می‌دهد، فراهم می‌کند.

این همچنین راهی است که از طریق آن، عمل مهمان‌نوازی همچنان یک نیاز حیاتی در کلیساهای ما باقی می‌ماند، زیرا ما خانه‌های خود را به عنوان مکانی برای رشد و حمایت معنوی و به عنوان پایگاهی برای مأموریت‌ها و فعالیت‌های تبلیغی در اختیار می‌گذاریم. راه‌های زیادی وجود دارد که هر عضو کلیسا می‌تواند سهم مهمی در توانایی دیگری برای حفظ خدا در بحبوحه سختی، وسوسه یا صرفاً حواس‌پرتهی داشته باشد. بسیاری از مسیحیان در صحبت کردن در مورد ردپای دست خدا در زندگی خود کند هستند، اما در هر یک از ما، خدا شهادتی بر خوبی، قابلیت اطمینان و اعتماد به نفس خود نوشته است.

این شهادت نه تنها برای منفعت خود فرد، بلکه برای تشویق دیگران نیز نوشته شده است. چگونه می‌توانیم جماعت‌های خود را به چالش بکشیم تا فضایی را پرورش دهند که تأمل در مورد و به اشتراک گذاشتن آن آثار لطف خدا را در میان ما تشویق کند؟ و ما به چالش کشیده شده‌ایم تا آنها را به چالش بکشیم تا فراتر بروند و برای مقابله با صدای فریبنده و همیشه حاضر گناه تلاش کنند. مشکل فریب خوردن این است که ما نمی‌توانیم راه خود را به یک طرز فکر روشن باز کنیم.

در برهه‌ای از مسیر زندگی‌مان، به خواهر یا برادری نیاز داریم تا به ما در دیدن گناه به شکلی که هست کمک کند، و بنابراین ما فراخوانده شده‌ایم که این هدیه را به یکدیگر نیز تقدیم کنیم. وقتی خواهر یا برادری در خطر از دست دادن تمامیت مسیر زندگی و پادشاهی ابدی خود به خاطر لذت موقت گناه است، می‌توانیم به آن خواهر یا برادر کمک کنیم تا بینش خود را بازیابد، همانطور که ما نیز در برهه‌ای از مسیر زندگی خودمان به چنین کمکی نیاز خواهیم داشت. واعظ عبرانیان توجه ما را به خواهران و برادرانی جلب می‌کند که جامعه بیشتر آنها را به عنوان منحرفان هدف قرار داده است.

این امر به ویژه در آیات ۳۲ تا ۳۴ از باب ۱۰ و در آیه ۳ از باب ۱۳ آشکار می‌شود. تنها جماعتی که مایل است در چنین شرایطی با عشق برادرانه، منابع و دعا از اعضای خود حمایت کند، می‌تواند وفاداری و اعتماد پیروان خود را حفظ کند و نشان دهد که دادگاه نظر جامعه، در نهایت، قضاوت نهایی در مورد ارزش کسی نیست. این چالش با آگاهی کلیساهای غربی از نیازهای خواهران و برادران ما در سراسر جهان، به ویژه در کشورهایی که مسیحیت یک دین محدود است، و با افزایش ابزارهای در اختیار ما برای تشویق و حمایت از آنها، فوریت و معنای جدیدی به خود می‌گیرد. همانطور که ما در بسیاری از زمینه‌ها به تفکر جهانی می‌رسیم، تعریف ما از کلیسا و خانواده خدا نیز باید رشد کند.

برخی از اقدامات در این زمینه ساده هستند. برای آگاهی از وضعیت اسفناک خواهران و برادران مسیحی خود در کشورهای دیگر وقت بگذارید. سکوت را در کشور خودمان بشکنید.

آگاهی عمومی را در مورد آزار و اذیت مذهبی افزایش دهید. دعا کنید. تسکین مسیحیان تحت آزار و اذیت و خانواده‌هایی که شهدا از خود به جا گذاشته‌اند را بخشی از ماموریت و کار امدادرسانی جماعت خود قرار دهید.

سه دهه پیش، یکی از همکاران سابق من در مدرسه الهیات اشلند، خود را متعهد به ارتباط شخصی منظم با یکی از مبلغان مذهبی در نیجریه کرد که بیشتر از طریق ایمیل با او در ارتباط بودند. به این ترتیب، او توانست به عنوان یک فرد رابط برای یک کشیش در منطقه‌ای که نوکیشان به مسیحیت با آزار و اذیت وحشیانه روبرو بودند، خدمت کند. او توانست به طور خاص برای نیازهای نوکیشان در هنگام ظهورشان دعا کند، به این کشیش دلگرمی دهد و هر زمان که به کمکی مانند صدای عمومی یا منابع مادی از خارج نیاز بود، برای شنیدن نیازهای خاص و هماهنگی تلاش‌ها برای رفع آن نیازها در دسترس باشد.

هیچ مسیحی به تنهایی نمی‌تواند با این روش‌ها، آزار و اذیت مسیحیان را در جهان از بین ببرد، اما اگر هر یک از جماعت‌های ما متعهد به کمک به یک جامعه مسیحی واحد که در جایی از جهان با آزار و اذیت روبرو است، چه از طریق یک مبلغ مذهبی، چه از طریق یک رابط از آن جامعه، مثلاً یک دانشجوی بین‌المللی که به خانه بازمی‌گردد، شوند، گام اول بزرگی برداشته خواهد شد. نویسندگان عبرانیان دریافت که مردم بر اساس منابع خود ریسک می‌کنند. اگر یک مسیحی بداند که سایر اعضای یک کلیسا کاملاً متعهد به تلاش برای رفاه او هستند، آیا آن مؤمن نمی‌تواند سطح صداقت و صراحتی را که امکان رشد عمیق شخصی و معنوی را فراهم می‌کند، به خطر بیندازد؟ و با دانستن اینکه منابع کل مؤمنان پشت سر اوست، چه خدمات‌های حیاتی را می‌تواند پیشگام خود کند؟ چه فعالیت‌های جسورانه‌ای به نام ایمان.

وقتی در مسابقه‌ای که پیش روی ماست می‌دویم، در رقابت با دیگر مؤمنان نمی‌دویم. ما در مسیرهای کوچک خودمان که از مسیرهای دیگران جدا شده است، نمی‌دویم. ما با هم می‌دویم، دست در دست هم خم می‌شویم تا کسانی را که می‌لغزند بلند کنیم، وقتی زمین می‌خوریم دست‌هایمان را به سمت یکدیگر بلند می‌کنیم، به حمایت از مجروحان کمک می‌کنیم، دستانمان را روی شانه‌های یکدیگر می‌گذاریم.

در این مسابقه، اراده‌ی استاد بازی‌ها این است که همه‌ی کسانی که شروع کرده‌اند، آن را به خوبی به پایان برسانند.